

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه اصلاح تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی»
مصوب ۱۳۸۹»

مقدمه

براساس تبصره «۱» ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی؛ مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، قاضی مذکور در ماده (۵) قانون فوق می‌باشد. براساس مقدمه توجیهی این لایحه این امر موجبات اخلال در وظیفه نظارتی سازمان یاد شده و نیز اطلاع در فرآیند رسیدگی و اجرای احکام صادره را فراهم آورده است. در راستای رفع چالش‌های اجرایی مذکور و هماهنگ‌سازی مقررات قانون فوق با قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲؛ لایحه اصلاح تبصره «۱» ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده است.

مشخصات لایحه

دوره نهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۶۳۴

پیشینه قانونگذاری

تبصره «۱» ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹ اشعار می‌دارد: «تخلفات شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر حسب مورد، توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و یا شهرداری رسیدگی و در مورد تخلفات ایمنی و تصادفات، موضوع توسط کمیسیون متشکل از نماینده سازمان مزبور و نماینده پلیس راهنمایی و رانندگی و نماینده صنف مربوطه رسیدگی و در صورت احراز تخلف اشخاص مذکور برای بار اول تذکر کتبی و برای بار دوم به بعد متناسب با نوع و تکرار تخلف از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال به ازای هر تخلف جریمه خواهند شد. در مورد تخلفات منتهی به تصادفات جرحی یا فوتی ناشی از قصور یا تقصیر و یا در صورت تکرار تخلف بیش از سه بار مراجع مذکور مجازند پروانه فعالیت شرکت یا مؤسسه حمل و نقل متخلف را از یک ماه تا یک سال تعلیق و در صورت تکرار برای بار چهارم به طور دائم لغو نمایند. نیروی انتظامی موظف است با اعلام سازمان مذکور نسبت به تعطیلی مؤسسه یا شرکت متخلف اقدام نماید. در صورت اعتراض، قاضی مذکور در ماده (۵) این قانون^۱ با حضور معترض و حسب مورد نماینده سازمان راهداری یا شهرداری به موضوع رسیدگی و رأی لازم را صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

شماره چاپ:

۱۶۶۱

تاریخ چاپ:

۱۳۹۴/۱۰/۱۶

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۴۷۴۹

تاریخ انتشار:

۱۳۹۴/۱۲/۱۶

۱. ماده (۵) - متخلف موظف است ظرف مدت شصت روز از تاریخ مندرج در قبض جریمه یا تاریخ ابلاغ شده در قبض جریمه‌ای که به اطلاع او می‌رسد جریمه را به حسابی که از طرف خزانه‌داری کل تعیین و اعلام می‌شود پرداخت و رسید دریافت نماید یا مراتب اعتراض خود را ظرف مدت مذکور با ذکر دلایل به اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی تسلیم نماید. اداره مذکور موظف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از وصول اعتراض بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیرموجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید، در صورت اصرار معترض، اداره اجرائیات موضوع را جهت رسیدگی به واحد رسیدگی به اعتراضات ناشی از تخلفات رانندگی ارسال می‌نماید.

واحد فوق‌الذکر متشکل از یک قاضی با ابلاغ رئیس قوه قضائیه و یک کارشناس راهنمایی و رانندگی با معرفی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مربوطه می‌باشد ریاست آن واحد با قاضی خواهد بود که پس از اخذ نظر مشورتی عضو دیگر مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

آیین‌نامه اجرایی موضوع این تبصره و مدت تعطیلی و لغو پروانه فعالیت شرکت‌های حمل‌ونقل توسط وزارت راه و شهرسازی و در قسمت ایمنی با همکاری وزارت کشور (نیروی انتظامی) و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد».

در لایحه فوق‌الذکر پیشنهاد شده است که عبارت: «رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات مراجع مذکور مطابق قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، صورت می‌گیرد»، جایگزین ذیل تبصره فوق که مقرر داشته: «...در صورت اعتراض، قاضی مذکور در ماده (۵) این قانون با حضور معترض و حسب مورد نماینده سازمان راهداری یا شهرداری به موضوع رسیدگی و رأی لازم را صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی است» بشود.

نکات حقوقی

همان‌گونه که در لایحه فوق آمده است، «دیوان عدالت اداری» به جای «قاضی مذکور در ماده (۵) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» به‌عنوان مرجع رسیدگی به اعتراض و شکایت از آرای کمیسیون رسیدگی به تخلفات رانندگی پیشنهاد شده است. در این زمینه نکاتی چند حائز اهمیت است:

علیرغم اینکه در مقدمه توجیهی لایحه، ممانعت از اطلاع دادرسی در فرآیند رسیدگی و اجرای احکام به‌عنوان یکی از علل مواجهه لایحه آمده است؛ باید گفت: نه تنها فرآیند رسیدگی در دیوان عدالت اداری موجبات تسهیل در روند بررسی موضوع را فراهم نخواهد آورد، بلکه به‌نظر می‌رسد اطلاع دادرسی در دیوان به‌مراتب از ترتیب پیش‌بینی شده بیشتر بوده و در نتیجه احقاق حق شهروندان نیز به تأخیر خواهد افتاد. چراکه اولاً روند رسیدگی در دیوان عدالت اداری معمولاً ماه‌ها و عمدتاً بیش از یکسال به طول می‌کشد و ثانیاً روند رسیدگی در دیوان عدالت اداری «شکلی» است. بدین صورت که اگر افراد نسبت به رأی اعتراض نمایند و دیوان رأی به نقض تصمیم کمیسیون صادر نماید، روند رسیدگی دوباره به همان کمیسیون عودت داده می‌شود و مجدداً ممکن است رأی کمیسیون محل ایراد و اعتراض باشد و خود این امر زمینه را برای اطلاع بیشتر دادرسی فراهم می‌سازد. همان‌گونه که بند «۲» ماده (۱۰) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است: ...رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها» با عنایت به این بند، رسیدگی در دیوان صرفاً شکلی است.

مضافاً اینکه، حسب بهره‌مندی قاضی موضوع ماده (۵) قانون از نظرات کارشناسی و متخصصین مرتبط و آگاه با موضوع، به‌مراتب تصمیمات قاضی مذکور از آرای صادره توسط قضات دیوان عدالت اداری در این خصوص که صرفاً شکلی است، به لحاظ تطبیق با موضوع از استحکام و استدلال حقوقی بهتری برخوردار هستند.

البته لازم به ذکر است که هم‌اکنون مطابق تبصره ماده (۴۵) «لایحه بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، چنین اصلاحی در تبصره «۱» ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی صورت گرفته است. مطابق تبصره ماده (۴۵) لایحه مذکور «اعتراض به هر نوع تصمیمات مراجع دولتی موضوع ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌شود». لذا هر آنچه این لایحه به دنبال آن بوده است در تبصره مذکور محقق شده است. هر چند لایحه مذکور هنوز نهایی نشده و با ایراداتی از سوی شورای نگهبان مواجه شده است و لکن تبصره مزبور محل ایراد قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

لایحه پیشنهادی فوق، نه تنها تأمین‌کننده معضلات حقوقی ذکر شده در مقدمه توجیهی لایحه نمی‌باشد، بلکه روند رسیدگی در دیوان عدالت اداری به‌دلیل حجم زیاد پرونده‌ها در این مرجع و تعداد محدود شعب آن و همچنین شکلی بودن رسیدگی نسبت به تصمیمات کمیسیون‌های اداری با اطاله بیشتر دادرسی مواجه گردیده و آرای صادره دیوان نیز در این خصوص باتوجه به تخصصی بودن موضوع از استحکام بیشتری برخوردار نخواهد بود. اما همانگونه که در متن گزارش ذکر گردید، چنین اصلاحی هم‌اکنون در تبصره ماده (۴۵) لایحه بیمه اجباری پیش‌بینی شده است و تصویب مجدد این حکم در این لایحه فاقد ضرورت است.

